

گوش اورامی در زبان کردی

ثریا رضوی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

چکیده

شناخت و تبیین هر چه بیشتر زبان‌های زنده ایرانی و آثار ادبی آنها به عنوان میراث‌هایی گرانبها، ضرورتی مهم و انکارناپذیر است و با توجه به تنوع گویش‌ها و گونه‌های زبان کردی معرفی بیشتر و کاملتر آنها می‌تواند منبعی غنی در اختیار محققان و زبان‌شناسان مخصوصاً پژوهشگران زبان‌های ایرانی قرار دهد.

در این مقاله سعی بر آن است تا بخش‌هایی از گویش و ادب اورامی که یکی از شاخه‌های زبان کردی است مورد بررسی قرار گیرد. در ابتدا کرد و ویژگی‌های آنان به عنوان یک قوم ایرانی به طور اختصار بیان شده، سپس به زبان کردی و گویش‌های آن و حوزه جغرافیایی هر کدام پرداخته شده است و از آنجا که یکی از گویش‌های زبان کردی اورامی است در ارتباط با اورامان و ادبیات آن توضیحاتی ارائه گردیده، همچنین مطالبی هم به ادبیات کردی و اورامی اختصاص داده شده است و تلاش شده تا در حد توان به سوالاتی از قبیل این که زبان کردی جزء کدام یک از شاخه‌های زبان‌های ایرانی است و در این میان گویش و ادبیات اورامی چه جایگاهی دارد، پاسخ داده شود.

کلید واژه‌ها: ادبیات - کرد - زبان کردی - گویش - اورامی.

مقدمه

ادبیات مکتوب و شفاهی به عنوان میراث فرهنگی هر قوم و ملتی مورد توجه همگان است این میراث جزئی لاینفک از زندگی انسان بوده و هست و رابطه‌ای تنگاتنگ با جنبه‌های روانی، اجتماعی و فرهنگی داشته است. ادبیات و به ویژه شعر نیز به عنوان بخشی از فرهنگ و تمدن انسانی از دیرباز مورد توجه بوده و

محققان با استفاده از مبانی علوم انسانی مانند روانشناسی، جامعه‌شناسی و... درصدد شناخت و توصیف راز و رمز نهفته آن برآمده‌اند.

سرزمین ایران با توجه به خرده فرهنگ‌ها و اقشار گوناگون در آن، برای هر ایرانی مقدس و گرامی است. این سرزمین از بزرگترین گاهواره‌های تمدن و فرهنگ جهانی است. از این رو شناخت و تحقیق در مورد فرهنگ و تمدن‌های ایرانی بر هر محقق‌ی لازم است و یکی از این موارد شناخت قوم کرد، گویش‌ها و ادبیات این قوم است.

کردان

کردان بنا به سنگ نوشته‌ها و الواح آشوری و مدارک موثق تاریخی در هزاره سوم قبل از میلاد در کردستان سکونت کرده و به زبان آریایی سخن می‌گفته‌اند و از تیره‌های نژاد آریایی هستند؛ آری یکی از شاخه‌های نژاد آریایی که پژوهندگان را در آریایی بودن آنان گمانی نیست، کردان هستند که نام آنان از زمان باستان در بیشتر آثار مکتوب مذکور است. واژه آریا ساده شده واژه اوستائی ائیریه *airya* است که به معنی پاک و پاک‌نژاد و بزرگ است و این واژه در کتاب اوستا برای ایرانیان به کار برده می‌شده، چنان که در بند ۱۴۳ فروردین یشت، روان‌های بلند مردان پاک و زبان پاک ایران زمین به نام ائیریه یاد و به آن درود فرستاده می‌شود و لغت ائیریه را اوستاشناسان به معنی ایران آورده و یادآور ایرانیان دانسته‌اند و لغت ایران در اوستا ائیرین *airyan* آمده و از همان ریشه ائیریه است. در نوشته‌های هرودوت مورخ معروف یونانی نوشته شده که ایرانیان را در روزگاران کهن به نام آریا می‌خواندند و پادشاهان هخامنشی هم در سنگ نوشته‌ها خود را آریایی خوانده‌اند و واژه ایران در نوشته‌های ساسانیان به کار رفته و واژه ایرانشهر نیز که به معنی کشور ایران است به جای واژه ایران به کار می‌بردند (صفی‌زاده، ۷۸: ۳۷-۳۶).

مرحوم بهار در این باره می‌نویسد: طوایف کرد بدون تردید از آن مردمی هستند که از روزگاران قدیم در سرزمین خود که بخشی از ایران است جای‌گیر بوده‌اند و گاهی دامنه چراگاه و خیمه و خرگاه خود را تا دشت‌های لرستان و جبال اصفهان و کوه‌کیلویه و سواحل خلیج فارس می‌گستراندند و زبان و آداب آن مردم یکی از دیرینه‌ترین زبان و آداب ایرانی است و شعر کردی یکی از اقسام شعرهای پنج‌هجایی است و لغات آن قوم نیز یکی از شاخه‌های زبان ایرانی است. گزنغون نویسنده ایرانی در کتاب خود (بازگشت ده هزار

یونانی) از این مردم نام برده است و در کتیبه‌های آشور هم ذکری از مردم «کردو» رفته است، در کتاب پهلوی «شهرهای ایران» نیز ذکر کوهیاران کردو که همین کردان باشند آمده است (ملک الشعراء بهار، ۱۳۷۵: ۶-۵).
 مادها نیز که در قرن هفتم قبل از میلاد به وجود آمده‌اند، از لحاظ نژادی به کردها می‌رسند و در بیشتر کتب تاریخ واژه کرد هم‌ردهٔ واژهٔ ماد است، چنان که در تورات نیز پشت سر واژهٔ ماد یا مدی نام کردستان می‌آید و روی هم رفته مادها شاخه‌ای از کردها هستند (صفی‌زاده، ۷۸: ۳۹).

زبان کردی

زبان کردی امروز بازمانده و تحول یافتهٔ زبان باستانی (مادی) است و مردم کرد، فرزندان و بازماندگان مادها هستند. محل سکونت و استقرار قوم ماد و حوزهٔ جغرافیایی زبان مادی بر اساس تأیید تاریخ و اقرار پژوهشگران، بخش‌های وسیعی از خاورمیانه با نقطهٔ مرکزی مناطقی بوده است که امروز کردها در آن ساکن هستند و به زبان تحول یافته و بازماندهٔ اجدادی خویش یعنی زبان کردی، با گویش‌های متنوع آن تکلم می‌کنند.

بعضی از دانشمندان را عقیده چنان است که گائۀ زرتشت به زبان مادی است و نیز برخی برآنند که زبان کردی که یکی از شاخه‌های زبان ایرانی است از باقیمانده‌های زبان ماد است (سبک‌شناسی بهار، ۱۳۷۵: ۵).
 مینورسکی بر این عقیده است که تمام لهجه‌های بازمانده در زبان کردی از زبان پایه قدیم و نیرومندی نشأت گرفته و آن زبان مادی است. پروفیسور سالیس می‌گوید: مادها عشایر کرد بوده و در شرق (یعنی غرب ایران امروز) سکونت داشته‌اند و ولایات آنها تا جنوب بحر خزر ادامه داشته و زبان آنها، آریایی و از نژاد خالص آریایی هستند (رخزادی، ۱۳۷۹: ۲۶).

از مجموع آراء پژوهشگران و بر اساس ویژگی‌های معتبر زبان‌شناسی این امر مسلم می‌گردد که زبان کردی یک زبان مستقل و مورد تأیید علم زبان‌شناسی است و اطلاق عنوان لهجه در عرف عامه بر این زبان که خود دارای گویش‌ها و گونه‌ها و لهجه‌های متعددی است و در حوزهٔ جغرافیایی وسیعی با ده‌ها میلیون نفر گویشور گسترش دارد، ناشی از عدم آگاهی به ویژگی‌ها و تعریف زبان از نظر علم زبان‌شناسی است (همان، ۲۷).

امروز در هر کدام از شاخه‌های زبان کردی آثار علمی و ادبی فراوانی به وسیلهٔ ادیبان و سخنوران و عالمان کرد تدوین و تألیف و چاپ و منتشر شده و ادبیات و دانش این زبان را وسعت و غنا بخشیده است. علاوه

بر تألیفات جدید، با تلاش و همت پژوهشگران و محققان کرد بسیاری از آثار منظوم و مثنوی شاعران و علمای متقدم کردزبان نیز از گوشه و کنار جمع آوری و نسبت به چاپ آنها اقدام شده است و این تلاش در حال گسترش است. نکته قابل ذکر این است که به دلیل عواملی تأثیرگذار چون مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی که در طول ایام بر ملت کرد مانند دیگر ملت‌های عالم تأثیر گذاشته است، آنان نوشته‌ها و آثار ادبی و علمی خود را به یکی از صورت‌های زیر بیان نموده‌اند: ابتدا کردزبانانی که در مورد فرهنگ و ادبیات و علوم مردم کُرد به زبان کردی نوشته‌اند و می‌نویسند. که این دسته ضمن اینکه آثار مکتوب زبان کردی را گسترش داده‌اند، فرهنگ و ادبیات قوم خود را صرفاً به گویشوران کُرد شناسانده‌اند. دوم کردزبانانی که در مورد فرهنگ و ادبیات و علوم مردم کرد به زبان غیر کُردی نوشته‌اند و می‌نویسند. که این دسته ادبیات و آثار قوم خود را به گویشوران زبان یا زبان‌های دیگر شناسانده‌اند. سوم کردزبانانی که در مورد فرهنگ و ادبیات و علوم دیگر اقوام به زبان کردی نوشته‌اند و می‌نویسند. که این دسته ادبیات و علوم سایر اقوام و ملت‌ها را به گویشوران کرد شناسانده‌اند و چهارم کردزبانانی که در مورد فرهنگ و ادبیات و علوم دیگر اقوام به زبان غیر کردی نوشته‌اند و می‌نویسند که این دسته ادبیات و علوم سایر اقوام را به گویشوران همان زبان‌ها شناسانده‌اند (رخزادی، ۱۳۷۹: ۳۹).

صرف نظر از پیشینه دور و دراز و تاریخی کهن زبان کردی، باید به واقعیت انکارناپذیر و عینی و ملموس این زبان در روزگار فعلی توجه نمود که امروزه با انشعاب‌های متنوع آن بالغ بر ۴۰ میلیون نفر در نقاط مختلف عالم گویشور دارد و به عنوان یکی از زبان‌های زنده و فعال دنیا در مجامع و سازمان‌های جهانی شناخته شده و نام آن ثبت گردیده است و به عنوان یک زبان مستقل درخور مطالعه و پژوهش دقیق علمی است. در اینجا لازم به نظر می‌رسد که شاخه‌های فعلی زبان کردی و مناطق جغرافیایی هر یک به طور اختصار معرفی گردد.

شاخه‌های زبان کردی امروز و حوزه جغرافیایی هر کدام

کرمانجی شمالی:

این شاخه دارای گونه‌های جزیره‌ای، هکاری، بایزیدی، بوتانی، شم‌دینانی و بادینانی می‌باشد که از نظر حوزه جغرافیایی دارای تقسیم‌بندی زیر است:

- ۱- در ترکیه: مناطق کردنشین جزیره، دیار بکر، ارزروم، بایزید، هکاری، ماردین، بتلیس، وان، آگری، شم‌دینان و...
- ۲- در عراق: عقره، دھوک، زاخو، عمادیه، سنجار و...
- ۳- در ایران: اورمیه، سلماس، ماکو، نقده، برادوست، ترگور، مرگور و کردهای خراسان.
- ۴- در سوریه: تمام مناطق کردنشین از جمله: قامیشلی، حَسَکَه.
- ۵- کردهای ساکن ارمنستان، آذربایجان، گرجستان، ترکمنستان و...

کرمانجی جنوبی (سورانی):

این شاخه دارای گونه‌های مُکریانی، سورانی، اردلانی و جافی و از نظر انواع و حوزه جغرافیایی دارای تقسیم‌بندی زیر است:

- ۱- مُکریانی در ایران: مهاباد، بوکان، سردشت، پیرانشهر، نقده، اشنویه.
- ۲- سورانی در ایران: سقز، بانه، مریوان، تکاب و در عراق: سلیمانیه، کرکوک، اربیل، موصل، رواندز، چم چمال، شقلاوه، کویه، قلعه دیزه.
- ۳- اردلانی در ایران: سنندج، دیواندره، کامیاران، لیلاخ.
- ۴- جافی در ایران: جوانرود، روانسر، سرپل ذهاب، ثلاث باباجانی و در عراق: شهر زور، کرکوک، کلار، کفری و..

کرمانشانی - لری:

این شاخه دارای گونه‌های کرمانشانی، لری، فیلی، لکی، بختیاری و از نظر حوزه جغرافیایی دارای تقسیم‌بندی زیر است:

- ۱- کرمانشانی: کرمانشاه، دالاهو، صحنه، کنگاور، قصرشیرین، هرسین، سنقر، کلیایی، اسلام آباد، قروه، بیجار، ایلام، ایوان، آبدانان، مهران، دهلران و در عراق: خانقین، مندلی، نواحی بدره و...
- ۲- لری، لکی، فیلی، بختیاری در ایران: لرستان، پشتکوه، پیشکوه، بخشی از ایلام و...

گورانی - زازایی:

این شاخه دارای گونه‌های گورانی (اورامی) و زازایی و از نظر حوزه جغرافیایی دارای تقسیم‌بندی زیر است:

۱- گوران (اورامی) در ایران: اورامان تخت شامل جنوب مریوان، ژاورود و اورامان لهون شامل پاوه، نوسود، نودشه و در عراق: حلبچه، بیاره، توپله، منطقه زنگنه و کاکه‌بی در کرکوک.

۲- زازایی در ترکیه: بخش‌هایی از مناطق: بین‌گول، دیرسیم، خاپوت، معدن، ارزنجان، دیاربکر، اورفا، بتلیس.

گوش اورامی

گوش شکل عینی زبان و موارد کاربرد آن در زبان است. زبان و گوش به عنوان اصلی‌ترین عناصر فرهنگی از چنان جایگاهی برخوردار هستند که شناخت انسان، اجتماع و فرهنگ او بدون بررسی و شناخت زبان و گوش غیر ممکن است. به همین خاطر گوش‌شناسی مورد توجه دانش‌های زیادی قرار گرفته است. پس هر زبان مجموعه قواعدی ذهنی است که در نواحی و ادوار مختلف و میان اقشار گوناگون اجتماع به شکل‌های مختلفی تجلی می‌یابد، این شکل‌های گوناگون گوش‌های آن زبان به شمار می‌آیند (شیری، ۱۳۸۶: ۲۹).

هورامان، اورامی‌ها و گوش هورامی همواره منزلتی ویژه در جمع کردهای ایران داشته است. ویژگی‌هایی که این مردم را به لحاظ فرهنگی از کردهای دیگر متمایز می‌کند بسیار است، اما مهم‌ترین عاملی که آنها را در این میان شاخص می‌کند گوش متمایزی است که بدان سخن می‌گویند، گویی که برای کردهای غیر هورامی به میزان بسیار زیاد، اگر نگوئیم کاملاً، غریب و نامفهوم است. در واقع به نظر می‌رسد که هورامی در سیر تکامل تاریخی خود از دیگر زبان‌ها و گوش‌های متعلق به خانواده زبان‌های ایرانی، عقب مانده و به کندی و محافظه‌کارانه پیش می‌رود.

این گوش به رغم برخورداری از ویژگی‌هایی منحصر به فرد در تمامی جنبه‌های خود، تا کنون آن طور که باید مورد بررسی علمی قرار نگرفته است و تا آن‌جا که نگارنده پژوهش اطلاع دارد به جز چند پژوهش که مدت‌ها پیش توسط زبان‌شناسان خارجی صورت گرفته تقریباً اثر قابل توجهی در مورد گوش اورامی در دست نیست.

از دیدگاه دیگر کردها، سخن گفتن به گوش هورامی نشانه‌آشنایی با گوش اصیل و دست نخورده و به تبع آن، نشانه اعتباری ویژه در زبان و فرهنگ است. یکی از دلایل این امر احتمالاً این واقعیت است که در

ارتباط زبانی یک هورامی زبان با یک گویشور گویشی دیگر از کردی، فهم سخنان گویشور هورامی برای نفر مقابل مشکل و به میزان بسیار زیادی غریب و نامأنوس جلوه می‌کند، اما گفتار گویشور مقابل مثلاً سنندجی، مهابادی و ... در حد چشمگیری برای شخص هورامی زبان قابل فهم و درک است.

هورامان سرزمینی باستانی است. این سرزمین دست کم از زمان ورود اقوام آریایی به ایران جزء مناطقی بوده که اقوامی در آن سکونت داشته‌اند و آن‌طور که از شواهد بر می‌آید از دوران‌های قدیم همواره حکمرانانی را در خود جای داده است. چرم نوشته‌های هورامان که قدمت‌شان به حدود قرن اول میلادی می‌رسد شاهدی بر قدمت این سرزمین (دست کم تا قرن اول میلادی) است. این سرزمین در حال حاضر محل سکونت کردهای هورامی زبان ایران و عراق می‌باشد.

با نگاهی گذرا به فرهنگ و ادبیات اورامان می‌توان دریافت که: هورامان یا اورامان سرزمین ترانه‌های معطوف به طبیعت، سرزمین شاعران طبیعت دوست، سرزمین ادبیات شفاهی و نانوشته و سرزمین عرفان دوستان بوده است. متأسفانه هورامان به علت صعب‌العبور بودن، ارتباط چندانی زیادی با نواحی دیگر نداشته و همین امر نوعی برکناری و دورماندگی اجتماعی و جغرافیایی را بر ساکنین آن تحمیل نموده است. با این حال ضرورت‌های زندگی این ارتباط را بیشتر نموده و وسعت بخشیده است. اگر تا دیروز مراودات مردم هورامان عمدتاً با بخش‌های محدودی از کردستان عراق و ایران بوده، اکنون تا مراکز و شهرهای عمده ایران و حتی اروپا و آمریکا و استرالیا وسعت یافته است. در قیاس با سایر مناطق کردنشین شاید بتوان گفت که تعداد شاعران این منطقه بیشتر بوده است. مضمون شعر شاعران هورامان نیز عمدتاً عاشقانه، عرفانی و طبیعت دوستی است.

گویش اورامی و ادبیات کردی

گویش اورامی از گویش‌هایی است که ادبیات شفاهی و کتب غنی‌ای دارد. ادبیات کتبی هورامی به خطی از کردی نوشته می‌شود که بر مبنای الفبای عربی قرار دارد. قدمت این خط که قدیمی‌ترین خط کردی و از انطباق الفبای عربی با آوای زبان کردی به وجود آمده است، به قرون وسطی می‌رسد.

اکنون در پرتو این پیکره جدید، امکان دستیابی به تصویری روشن‌تر از فرایندهای ساخت واژه‌ای این زبان [گویش هورامی] فراهم شده است. پیچیدگی شگفت‌انگیز این فرایندها جایگاه ویژه‌ای را به این گویش در بین گویش‌های امروزی غرب ایران اختصاص داده است. این فرایندها بسیار پیچیده‌تر از فرایندهای

نظیرشان در گویش‌های دیگر کردی هستند. هر چند هورامی خود جزیره‌ای است در دریای کردی، در واقع هورامی از بسیاری جهات نمود یک گویش ایرانی میانه نسبتاً باستانی را دارد. جنبه دیگر از هورامی که به اندازه جنبه‌های دیگر آن شایان توجه است، پرتوی است که این گویش بر تاریخ گویش‌های کردی مجاورش می‌افکند (مکنزی، ۱۹۶۶: ۱).

هورامی گویشی از گورانی و احتمالاً باستانی‌ترین گویش و گویشی است که کم‌تر از گویش‌های دیگر دچار دگرگونی شده است (همان، ۲).

این گویش بسیاری از نکات و عبارات جالب توجه دستور زبان‌های باستانی ایران را در خود حفظ کرده است و بر خلاف زبان‌ها و گویش‌های دیگر ایرانی در صرف، افعال، نام‌ها، کنایات و صفات علامت مذکر و مونث به کار می‌رود و بیشتر آثار و کتاب‌های اهل حق که از قرن دوم هجری به جای مانده به گویش اورامی است.

استاد دهخدا در کتاب لغت‌نامه در مورد زبان هورامی چنین می‌گوید: زبان هورامی یک زبان مستقل است که دارای لهجه‌های مختلف بوده و در کردستان جنوبی رایج و ساکنین در طول حیات تاریخی خود بدان تکلم نموده‌اند و دارای قواعد دستوری و غنای کامل در کلمات و اصوات می‌باشد و با وجود تغییرات در دوران تاریخی از کیفیت و لطافت و روانی آن کاسته نشده است. مانند سورانی اعرابش با حروف و چون زبان عربی دارای قواعد و چارچوب محکم می‌باشد و در فراوانی و کوتاهی کلمات و جملات یک زبان پربار و قاعده‌پذیر است. در رعایت مذکور و مونث مجازی و حقیقی، سماعی و قیاسی اسما، اشارات، معرفه و نکره، صفت‌های فاعلی و مفعولی و ضمائر و غیره اگر از عربی برتر نباشد کمتر هم نیست. با جرات می‌توان گفت یکی از زبان‌های زنده‌ای که احتیاج به حتی یک کلمه خارجی ندارد مگر در مواردی که مانند بقیه زبان‌ها وارد گشته باشد و در زبان هورامی هر گاه لازم باشد می‌توان آنها را سریعاً جایگزین کرد.

آثاری که به گویش اورامی به جای مانده از لحاظ زبان‌شناسی بسی حایز اهمیت است زیرا بیشتر لغاتی که در متون این گویش به جای مانده اکنون در نوشتار زبان کردی به کار نمی‌رود و در گفتار هم متروک شده است و بیشتر واژه‌های آن با زبان پارسی باستان و اوستایی و پهلوی هماهنگ است و پیوستگی و خویشاوندی آن هیچ‌گاه قابل انکار نخواهد بود. برخی از مردم شهر قزوین به گویش گورانی صحبت می‌کنند و شهر همدان هم در گذشته با این گویش گفتگو می‌کردند و امروز نیز در گویش مردم ساوه، ملایر، نهاوند، تویسرکان، دماوند و روستاهای پیرامون تهران لغات گورانی وجود دارد.

گوش گورانی تا اواخر قرن سیزدهم هجری زبان شعر و ادب در کردستان بود و کلیه منظومه‌های حماسی از قبیل: شاهنامه‌ها، جنگ نامه‌ها و دواوین تغزلی بدان سروده می‌شد و حتی شعرایی چون: ملا عبدالرحیم مولوی، ملا مصطفی بیسارانی و مستوره کردستانی با این گوش شعر می‌سرودند و اخیراً به واسطه شیوع گوش کرمانجی جنوبی (سورانی) دایره این گوش تنگ‌تر شد و اصطلاحات لغوی آن کم کم به فراموشی سپرده شد و اکنون فقط گروه یارستان یا اهل حق به علت اینکه آثار مذهبیشان با این گوش است با آن تکلم می‌نمایند (صفی‌زاده، ۱۳۷۵: ۶۰۹-۶۰۸).

واسیلی نیکی تین در کتاب خود تحت عنوان کرد و کردستان می‌نویسد: قول عام چنان است که اگر زبان و ادب فارسی از بین برود، می‌توان از روی مایه‌های اصیل زبان کردی و فولکلوریک این قوم، آن را از نو بنیاد کرد، لذا در میان شعب گوش‌های کردی، اورامی را رگ حیاتی تصور کرده‌اند که بدون این گوش هویتی برای زبان کردی وجود ندارد.

شاید بتوان گفت که علت چشمگیر بودن تفاوت‌های کمی و کیفی آن گوش با دیگر گوش‌ها و گونه‌های کردی ممکن است حفظ بسیاری از جنبه‌های باستانی این گوش و احتمالاً روند تحولی کندتری نسبت به گوش‌ها و گونه‌های دیگر کردی باشد، البته هرگونه نتیجه‌گیری قطعی در خصوص گوش هورامی مستلزم انجام پژوهش‌های گسترده، با هدف مقایسه گوش‌های کردی و تحلیل تاریخی هر یک از آنها امکان‌پذیر است.

در زمان حکومت امیرنشین‌ها، گاه گویشی مورد توجه قرار گرفته است و زبان رسمی گشته و شعرا و نویسندگان با توجه به آن گوش مسلط و رسمی، یا گوش خود به سرودن و خلق شعر و آثار ادبی پرداخته‌اند. بعدها نیز پراکندگی جغرافیایی و مسایل سیاسی و تقسیمات کشوری باعث شده که زبان معیار واحدی برای زبان کردی ایجاد نشود و نوشتن به گوش‌های مختلف ادامه پیدا کرده است. مثلاً زبان نوشتار و ادبی در حال حاضر در حوزه کرمانجی جنوبی، گونه مکریانی و سورانی است یا کرمانجی شمالی مورد استعمال شاعران و نویسندگان در حوزه جغرافیایی آن بوده است که از شاعران این گوش می‌توان به ملای جزیری (۱۴۸۱-۱۴۰۷ م)، احمد خانی (۱۷۰۶-۱۶۵۰ م) و ... اشاره کرد.

در حوزه حکومت اردلانی‌ها که استان‌های کردستان، ایلام، لرستان و ... بوده است، گوش هورامی زبان معیار و رسمی دربار بوده است و شاعران و نویسندگان این گوش مورد حمایت قرار می‌گرفتند. حتی شاعرانی که گوش آنها لری یا کرمانجی بوده است به این گوش قلم زده‌اند. شعرای کلاسیک حوزه

جغرافیایی گویش لُری، عمدتاً به گویش هورامی (گورانی) شعر سروده‌اند. می‌توان به عنوان شاهد از خان الماس لرستانی (۱۱۳۸-۱۰۷۲ ه.ق) یاد کرد. یا مولوی کُرد به گویش کرمانجی جنوبی تکلم می‌کرده و به گویش هورامی دیوان شعر سروده است (نرگسی، ۱۳۸۳: ۱۱).

گویش‌های کردی علاوه بر شباهت‌های ساختاری در حوزه نحو و حوزه واژگان نیز اشتراکات زیادی با هم دارند به طوری که واژگان با بسامد بالا در غالب گویش‌ها مشترک است و از پیشینه آن حکایت دارد و به قول ارنسکی «... مبنا و پایه تمام زبان‌های ایرانی مایه و مصالح مشترکی است که همانا قواعد دستوری و ذخیره لغوی زبان اصلی و مشترک ایرانی می‌باشد.» همچنین ساختارهای دستوری متمایز و عمدتاً واژگان گوناگون به چشم می‌آیند اما این تشابهات بر افتراقات می‌چربد. به علاوه بعد از مدتی کوتاه در معرض همدیگر قرار گرفتن دو گویشور از دو گویش متمایز می‌توانند با هم ارتباط برقرار کنند. مسایل اجتماعی و سیاسی، عوامل جغرافیایی و... در ایجاد گویش‌های متمایز و نیز در تسهیل یا مشکل کردن ارتباط گویشوران مؤثر هستند (همان، ۸).

هورامان ایران محل ظهور سلطان صحاک، بنیان‌گذار مسلک یارستان است و قدمت آن به پیش از اسلام بر می‌گردد. دفاتر و کلام و بسیاری از کتاب‌های یارستان و کتاب مقدس آنها به نام سرانجام به گویش هورامی و در قالب شعر هجایی نوشته شده است که از جمله کهن‌ترین کتاب‌های نگاشته شده به زبان کردی می‌باشند و در برهه‌ای از زمان، این گویش به خاطر تبلیغ مسلک مذکور و نیز حمایت اردلان در بسیاری از مناطق فراگیر شده است و حتی دامنه آن از مناطق خود فراتر رفته و به جاهای دیگر مثل آذربایجان و لرستان نیز رسیده است. شعر و ادبیات آیین یارستان که غالباً به معرفی دیدگاهها و نظریه‌های آیین می‌پردازد، از کهن‌ترین اشعار کردی است.

این گویش در آغاز پیدایش اسلام زبان شعر و ادب سرایندگان و گویندگان کرد بوده و دورنمایی است از زبان مادی و پهلوی و کهن‌ترین اثر ادبی با این گویش کتاب دوره بهلول است که در قرن دوم سروده شده است. بسیاری از شاعران کرد اشعار خود را به این گویش سروده‌اند.

فهرست منابع

- ۱- بهار، محمدتقی، ۱۳۷۵، سبک‌شناسی، جلد اول، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۲- صفی‌زاده بوره‌کاهی، صدیق، ۱۳۷۸، تاریخ کرد و کردستان، تهران، آتیه.

- ۳- صفی زاده بوره‌کاهی، صدیق، ۱۳۷۵، نامه سرانجام (کلام خزانه)، تهران، انتشارات هیرمند.
- ۴- رخزادی، علی، ۱۳۷۹، آواشناسی و دستور زبان کردی، تهران، انتشارات ترفند.
- ۵- شیری، علی‌اکبر، ۱۳۸۶، درآمدی به گویش‌شناسی، تهران، انتشارات مازیار.
- ۶- نرگسی، محمد، ۱۳۸۳، رویکردی زبان شناختی به سبک شعری مولوی کُرد، دانشگاه رازی کرمانشاه، استاد راهنما دکتر عامر قیطوری.

۷- N. D. Mackenzie. (۱۹۶۶). *Gramatical (i Luhon-Hawraman)The Dialect of Awraman*.

. and vocabulary. Texts.sketch